

فناوری اطلاعات، ارتباطات و سیاست*

حمید اخوان**

چکیده

موضوع بررسی تأثیر متقابل فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)^۱ و برخی دستاوردهای آن بر حوزه سیاست^۲ در کشور ما بسیار تازه است و جستجوهای هوشمندانه در سایت‌های اینترنتی نیز گواهی بر این مدعاست که حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی که پیش‌قراولان عرصه فناوری هستند، بررسی این تأثیر به حوزه‌های بسیار محدودی مانند رأی‌گیری الکترونیکی و برگزاری انتخابات مکانیزه، افزایش دسترسی توده‌ها به اطلاعات سیاسی و... منحصر شده است.

بررسی همه‌جانبه این موضوع نیازمند تخصص‌های بین‌دیسپلینی است. این مقاله به مثابه گامی نخست به طرح نظری همین بحث می‌پردازد و تلاش می‌کند تأثیر متقابل «فناوری اطلاعات و ارتباطات» را بر مهم‌ترین عنصر عرصه سیاست، یعنی «دولت»^۳ و نیز بر حوزه «توسعه سیاسی»^۴ و پیش‌نیازهای آن مطالعه نماید. بنابراین کنکاش و جستجوی رابطه احتمالی بین این مقوله‌ها و چگونگی آن، مسئله و هدف اصلی این نوشته است و نگارنده ضمن تأکید بر اهمیت بررسی این موضوع، وجود رابطه مثبت بین این مفاهیم سه‌گانه را مهم‌ترین یافته نوشته خود معرفی می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند به کارکردهای اساسی دولت در جامعه مدد رساند، فرایند توسعه سیاسی را تسهیل نماید و در نتیجه توسعه مستمر و پایدار خود را نیز تضمین کند.

واژگان کلیدی

فناوری اطلاعات و ارتباطات، سیاست، دولت، توسعه سیاسی.

* تاریخ دریافت: ۹۰/۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۳

** معاون پژوهشی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، استادیار جامعه‌شناسی سیاسی ایران akhavan@ricac.ac.ir

2. Information, Communication & Technology (ICT)
3. Politics
4. State
5. Political Development

مقدمه

«الوین تافلر» در اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی در کتاب شوک آینده به جریان پرشتاب تغییر و فرایند آن اشاره کرد (Toffler, 1970). وی همچنین در کتاب موج سوم که در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی منتشر کرد، بر جهت‌های تغییر و اینکه این تغییرات، جهان را به کجا می‌کشاند، متمرکز شد. او تمدن بشری را به سه مرحله متمایز، یعنی تمدن کشاورزی، تمدن صنعتی و تمدن فراصنعتی تقسیم و هر مرحله را به موجی تشبیه کرد که همه حوزه‌های زندگی انسان را متأثر می‌سازد. هر کدام از مراحل سه‌گانه بالا نمادی داشت و موج سوم به صنایع جدیدی اشاره می‌کرد که در آینده بر اساس الکترونیک و رایانه‌ها، اطلاعات و بیوتکنولوژی و امثال آن شکل می‌گرفتند و این صنایع را «برج‌های نوین فرماندهی اقتصاد» می‌نامید (Toffler, 1980).

تافلر ۲۰ سال پس از شوک آینده و ۱۰ سال پس از موج سوم، سرانجام در کتاب جابه‌جایی قدرت اوج تلاش ۲۵ ساله خود را برای معنی بخشیدن به تغییرات گیج‌کننده‌ای نشان داد که ما را به سوی قرن بیست و یکم سوق می‌دهد. این کتاب به تغییر مهم نقش «دانایی»^۱ در رابطه با قدرت تمرکز می‌کند و بر تغییر اهمیت عناصر سه‌گانه زور، پول و دانایی در بازی‌های قدرت تأکید می‌نماید؛ بدین معنا که اگر در گذشته پول و زور نقش اساسی در قدرت داشتند، امروز ابزار اصلی قدرت، دانایی است و این جابه‌جایی است که تحولات جهان معاصر حول آن شکل می‌گیرد (Toffler, 1990).

اتکای روزافزون به اطلاعات، دانش و مبادله آن، نمادین شدن پول و ثروت از طریق جایگزینی کارت‌های اعتباری و پول الکترونیکی به جای پول فلزی و کاغذی، تغییرپذیری مستمر استانداردها، تنوع ساختارهای سازمانی، ضرورت بازسازی نظام اداری، اهمیت نوآوری و جهانی شدن و همزمان شدن آن با محلی شدن فعالیت‌های اقتصادی، تحولات جدید در عرصه اقتصاد مدرن است.

از نظر تافلر در جهان حاضر، عنصر زمان و سرعت مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رقابت‌جویی

فناوری اطلاعات، ارتباطات و سیاست ❖ ۶۷

و پیشرفت است و بر اساس این شاخص می‌توان کشورها را به تند و کند طبقه‌بندی نمود. در کشورهای تند، از تولید گرفته تا معامله‌ها، تصمیم‌گیری‌های سیاسی، نوآوری‌ها و خلاقیت و مهم‌تر از همه، جریان داده و اطلاعات سریع‌تر اتفاق می‌افتد و مالاً ثروت و قدرت، سریع‌تر تولید می‌شود. اما در کشورهای کند، حصارهای عظیم از موانع متعدد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، همه چیز را کند به جریان می‌اندازد. لکن تحولات جهانی از همه سو این کشورها را نیز تحت فشار قرار می‌دهد به طوری که توسعه‌نیافته‌ها نیز چاره‌ای جز تقویت بنیان‌های دانایی ندارند و باید ساختارهایی را ایجاد نمایند که موانع مذکور را رفع کرده، راه را برای مبادله سریع داده، اطلاعات و دانش باز می‌کند (تافلر، ۱۳۷۷).

تافلر در صفحه آخر کتاب دیگر خود نیز می‌نویسد:

«انقلاب دیجیتال و تندی تغییر، لحظه‌امروزیین تاریخ را از دوران‌های پیشین متمایز می‌سازد. این احساس که وقایع تندتر اتفاق می‌افتد آشکار است. ملت‌های موج‌سومی، دانشی قابل تبدیل به ثروت دارند، همچنین دسترسی به بانک‌های اطلاعاتی و شبکه‌های ارتباطی دوربرد در سطح جهانی، فرآورده‌ها و خدماتی که هوش پیش‌برنده آنهاست، همه تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات دوربردی که این تغییرات بدان وابسته است» (Toffler, 1993).

از نظر «کلارک کر» و همکارانش نیز جهان وارد عصر جدیدی شده که می‌توان آن را «عصر صنعتی شدن فراگیر» نامید. طبق این دیدگاه که به نظریه همگرایی موسوم است، همه ملل جهان با آهنگی سریع یا کند به سوی صنعتی شدن پیش می‌روند (Giddens, 1994 : 610-662). آنچه عموم صاحب‌نظران بر سر آن توافق دارند، دگرگونی اجتماعی فزاینده‌ای است که یکی از ابعاد آن، آهنگ فوق‌العاده سریع نوآوری تکنولوژیکی همراه با تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات، پدیده اینترنت و دستیابی وسیع به آن می‌باشد که جوامع مختلف را تحت تأثیر خود قرار داده است، لکن آنچه مطمح نظر کارشناسان و مسئولان ذی‌ربط در کشور ما قرار گرفته، بیشتر تأثیر آنها بر حوزه اقتصاد و در نهایت تحول دولت به سوی «دولت الکترونیکی»^۱

❖ ۶۸ نامه پژوهش فرهنگی

بوده است و آنچه مغفول مانده یا حداقل بسیار کمتر به آن توجه شده تأثیر این پدیده بر حوزه سیاست است.

بنابراین مقاله حاضر قصد دارد به بررسی اجمالی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات و برخی دستاوردهای آن بر حوزه سیاست بپردازد. هرچند ملاحظه شرایط عینی داخلی جوامع در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برای این منظور کاملاً ضروری است و باید ساختارهای اجتماعی، سیاسی، رژیم سیاسی حاکم و نوع نظام سیاسی، ویژگی‌های دولت به لحاظ نقش آن در توسعه پایدار و مستمر و میزان نفوذ آن بر عرصه جامعه مدنی، ارتباط آن با نیروهای مخالف سیاسی و روابطش با سایر کشورها در عرصه نظام بین‌المللی و... مطرح نظر قرار گیرد، ولی جدا از تفاوت‌های اجتناب‌ناپذیر بین کشورها، می‌خواهیم تأثیر مفاهیم مذکور و پیاده‌سازی آنها را بر عرصه سیاست و مهم‌ترین عنصر این عرصه، یعنی «دولت» و نیز بر حوزه توسعه سیاسی و پیش‌نیازهای آن بررسی نماییم.

دوباره تأکید می‌کنیم که با توجه به حساسیت‌های حوزه سیاست، نگارنده به طرح نظری بحث می‌پردازد و تلاش می‌کند تأثیر متقابل فناوری اطلاعات و ارتباطات و عرصه سیاست را بررسی و مطالعه نماید.

سیاست در عصر انقلاب اطلاعاتی

امروزه جوامع توسعه‌یافته و صنعتی، فناوری اطلاعات و ارتباطات را به مثابه موتور رشد و توسعه، در همه بخش‌های اقتصادی خویش به کار گرفته‌اند. کاربردهای مختلف فناوری اطلاعات و ارتباطات مانند: شهر الکترونیکی، دولت الکترونیکی، آموزش الکترونیکی و تجارت الکترونیکی با سرعت خیره‌کننده‌ای در حال گسترش است. در این راستا با ایجاد زیرساخت‌های مناسب، یعنی بسترهای مدیریتی، فنی، قانونی - حقوقی، فرهنگی - اجتماعی و نیروی انسانی، رشد و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات را تسریع کرده‌اند (عبدالله‌زاده و شامی، ۱۳۸۳).

فناوری اطلاعات، ارتباطات و سیاست ❖ ۶۹

عقیده بر این است که با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و دستاوردهای آن، تحولات عمیقی در حوزه اقتصاد رخ می‌دهد و فرایند توسعه اقتصادی با سرعت بیشتری نتایج خود را برای کشور به بار می‌آورد. مثلاً دولت با کاربرد وسیع فناوری اطلاعات و ارتباطات به سمت دولت الکترونیکی رفته و مزایای زیر را برای مؤسسه‌ها، نهادها و بنگاه‌های اقتصادی و نیز شهروندان فراهم می‌کند:

- دسترسی مستقیم به اطلاعات و خدمات دولتی
 - قابلیت استفاده محدود از اطلاعات در مقایسه با اطلاعات کاغذی
 - ارتباطات مستقیم با مقامات دولتی
 - افزایش توان پاسخگویی به شهروندان و شخصیت‌های حقوقی
 - صرفه‌جویی در هزینه‌ها و ساعت‌های کار
 - افزایش کیفیت خدمات
 - راحتی کاربران به واسطه افزایش زمان دسترسی به خدمات
 - تسهیل ارتباطات میان نهادها و مؤسسه‌های دولتی با یکدیگر
 - تسهیل ارتباطات میان نهادها و مؤسسه‌های دولتی با شهروندان و مؤسسه‌های خصوصی (کرباسیان، ۱۳۸۲: ۳۸ - ۳۷).
- در بیشتر منابع در دسترس، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات دارای مزایایی معرفی شده است که به اختصار می‌توان آنها را چنین برشمرد:
- تأخیر ناشی از تهیه مدارک را از بین می‌برد
 - از آنجا که داده‌ها به دفعات وارد سیستم نمی‌شود، امکان بروز اشتباه کاهش می‌یابد
 - زمان لازم برای ورود مجدد داده‌ها در سیستم، صرفه‌جویی می‌شود
 - هزینه نیروی کار به دلیل وارد نشدن مجدد داده‌ها به رایانه کاهش می‌یابد
 - جریان اطلاعات از روانی و اطمینان بیشتری برخوردار می‌شود
 - در مجموع، در هزینه‌های اداری صرفه‌جویی می‌شود

❖ ۷۰ نامه پژوهش فرهنگی

- روند تجاری، سریع‌تر اتفاق می‌افتد

- مزایای استراتژیک مانند رضایت بیشتر مشتری، ارتقای روابط آنان با فروشندگان، بهبود در روابط بازرگانی، افزایش سهم بازار، بالا رفتن توان رقابت، پیروزی در کسب و کار، افزایش میزان بهره‌وری کارکنان و ایجاد خلاقیت، تحصیل می‌شود (معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی وزارت بازرگانی، بی تا: ۱۵ - ۱۳).

چنانچه ملاحظه می‌کنید در بیشتر منابع، بررسی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر حوزه کسب و کار و یا حداکثر بر عرصه اقتصاد مورد توجه محققان قرار گرفته و به ضرورت به بسترهای لازم برای رشد و گسترش آن نیز توجه شده است. ولی باید دید با فرض ایجاد بسترهای مذکور و دستیابی به فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشورها، حوزه سیاست به معنای تخصصی آن از یک سو نیازمند چه تغییر و تحولاتی در جهت تسهیل گسترش این پدیده است و از سوی دیگر، در کنش تعاملی، خود از این پدیده‌ها چه تأثیری می‌پذیرد. بنابراین به نظر می‌رسد بررسی سیاست در عصر انقلاب اطلاعاتی ضرورتی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

شایان ذکر است که متأسفانه کاربرد برخی مفاهیم مانند «دولت» در این عرصه با ملاحظه‌های تخصصی صورت نگرفته است، مثلاً ترجمه E-Government به «دولت الکترونیکی» حداکثر با مسامحه پذیرفتنی است. «دولت» (State) به مثابه مفهوم مرکزی علم سیاست خود پدیده‌ای متشکل از چند عنصر است که «حکومت» یکی از آنهاست و در نوشته‌های مذکور توانمندی بیشتر آن در انجام کارکردهایش با دستیابی به فناوری اطلاعات و ارتباطات و برخی دستاوردهای آن از جمله تجارت الکترونیکی مورد توجه قرار گرفته است.

حال آنکه سایر عناصر آن و نیز مفاهیم بنیادین عرصه سیاست که در ارتباط با عنصر مرکزی علم سیاست، یعنی دولت معنا می‌یابند مانند اقتدار و حاکمیت، مشروعیت، قدرت و نفوذ، پایه‌ها و چهره‌های چهارگانه دولت (اجبار، ایدئولوژی، تأمین منافع عمومی و تأمین منافع خصوصی)، دموکراسی و مردم‌سالاری، توسعه سیاسی، نوسازی و... و تعامل آنها با

فناوری اطلاعات، ارتباطات و سیاست ❖ ۷۱

❖ سال دوازدهم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۳۹۰
فناوری اطلاعات و ارتباطات مغفول مانده است. بررسی این روابط متقابل ضرورت مورد نظر بین‌رشته‌ای عرصه سیاست و حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات است.

فناوری اطلاعات و ارتباطات و تأثیر آن بر تحولات دولت

۱. بسترهای لازم برای ایجاد و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات

گفتیم که فناوری اطلاعات و ارتباطات در دنیای امروز محور توسعه همه‌جانبه، پایدار و مستمر تلقی می‌شود. فناوری اطلاعات و ارتباطات ضمن ایجاد تحول در سازوکارهای سنتی در عنصر زمان و هزینه، صرفه‌جویی‌های درخور توجهی را ميسر ساخته و روند انجام امور گوناگون را تسهیل کرده است.

صاحب‌نظران با استفاده از تجارب جهانی، توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات را در ایران وابسته به ایجاد زیرساخت‌های ضروری ذیل می‌دانند:

- تغییرات محسوس در فرهنگ مردم در زمینه افزایش آگاهی، ارتقای میزان اعتماد به فضای کسب‌وکار مجازی، افزایش مهارت در حوزه دانش استفاده از رایانه، ایجاد احساس مثبت به آن به دلیل خاصیت‌های کاربردی درخور توجه آن و وجود توان مالی برای تهیه ابزار لازم به منظور استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (رایانه، خط تلفن، هزینه‌های اتصال به شبکه و...)

- حرکت به سمت توسعه فنی بازارهای مالی و ایجاد وضعیتی مطلوب در بخش مالیه الکترونیکی

- ایجاد زیرساخت‌های فنی لازم برای بسترسازی مناسب شامل آمادگی زیربنایی شبکه مخابراتی، آمادگی سرعت و کیفیت شبکه، فراهم کردن امکان دسترسی آسان به اینترنت، در دسترس بودن امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری لازم، آمادگی پشتیبانی و ارائه خدمات و بالاخره مطابقت با استانداردهای جهانی

- ایجاد بسترهای حقوقی لازم

❖ ۷۲ نامه پژوهش فرهنگی

- و بالاخره فراهم کردن زمینه‌های حضور فعال بخش خصوصی برای ورود به عرصه تجارت الکترونیکی و سرمایه‌گذاری در آن (رک: معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی وزارت بازرگانی، ۱۳۸۲).

بدیهی است ایجاد این زیرساخت‌ها مستلزم خواست و آمادگی دولت به مفهوم جامع آن است. از آنجا که هدف این مقاله بررسی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر حوزه سیاست است، در این قسمت، دولت به مثابه اساسی‌ترین مفهوم علم سیاست مدنظر ما قرار می‌گیرد تا پس از توصیف ابعاد متنوع و کارکردهای آن به تعامل آن با دو پدیده مذکور بپردازیم.

۲. دولت، ارکان و چهره‌های آن

فهم مقوله دولت لازمه درک اندیشه سیاسی و سیاست در قرن‌های نوزدهم و بیستم است. از نظر عملی، مشکل می‌توان حیات اجتماعی را بدون دولت تصور کرد. وجود دولت نه تنها مبین وجود مجموعه‌ای از نهادهاست، بلکه حاکی از وجود نگرش و شیوه‌های اعمال و رفتاری است که به اختصار مدنیت خوانده شده و به حق جزئی از تمدن به شمار می‌رود. زندگی ما در درون چارچوب دولت آغاز و پایان می‌یابد، بنابراین دولت مفهومی پیچیده و واقعیتی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت.

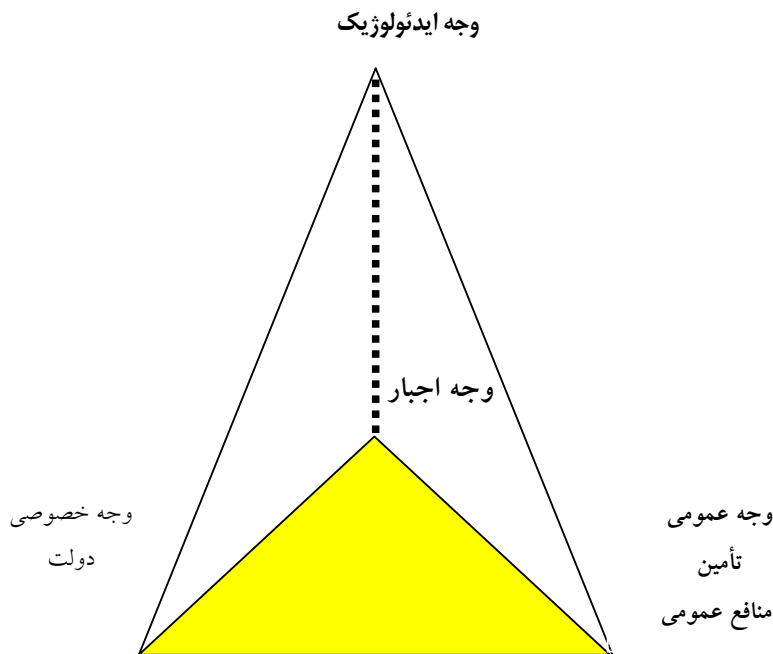
علم سیاست نیز به معنای درست کلمه علمی است که دولت را بررسی می‌کند. دولت پدیده‌ای چندبُعدی و متشکل از چهار عنصر حکومت، حاکمیت، ملت و سرزمین تعریف شده است (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۱۵۳ - ۱۴۱).

بنابراین مفهوم دولت معنایی گسترده‌تر از نهادهای قانون‌گذاری و اجرایی حکومت دارد. مهم‌ترین وجه حاکمیت دولت، وضع و اجرای قوانین در جامعه است. قدرت، منبع مورد استفاده دولت، حکومت، مجموعه نهادهای لازم برای اجرای حاکمیت و اخذ تصمیم و سیاست، مجموعه اعمال دولت است. بدین‌سان دولت مفهومی انتزاعی است که به گفته

فناوری اطلاعات، ارتباطات و سیاست ❖ ۷۳

❖ «ماکس وبر» منحصراً کاربرد قدرت مشروع را در سرزمین خاصی در اختیار دارد و در درون مجموعه‌ای از دولت‌های واجد حاکمیت دیگر قرار گرفته است. اقتدار دولت به عنوان حاکمیت در درون کشور منحصر به فرد و بی نظیر است (بشیریه، ۱۳۸۰: ۲۴) و خلل در حاکمیت و پیدایش وضعیت حاکمیت دوگانه به معنای پیدایش وضعیت بی ثباتی و در نهایت، اضمحلال دولت است (Tilly, 1978).

هنگام بررسی مفهوم دولت باید آگاه بود که این مفهوم معضل‌ترین مفهوم در سیاست است و هر کس که عمیق بدان پردازد از این نکته آگاه خواهد شد (وینسنت، ۱۳۷۱: ۱۸). مفهوم دولت پدیده‌ای انضمامی و پیچیده است. شرط فهم مؤسسه دولت شناخت وجوه گوناگون آن است. در چشم‌اندازی جامع، دولت دارای چهار وجه یا چهره اصلی است که به صورت شکل (۱) می‌توان آن را نمایش داد (بشیریه، ۱۳۸۰: ۸۴ - ۸۳).



شکل ۱. وجوه دولت

الف) وجه اجبار

اجبار یکی از ویژگی‌ها و چهره‌های پایدار و اصلی مؤسسه دولت است. بدون عنصر اجبار و قوه قهریه، حفظ نظم و امنیت، حل منازعات و فیصله دعاوی و توزیع امکانات و دفاع در مقابل مهاجمان خارجی ناممکن است. دانشمندان و نظریه‌پردازان سیاسی همگی بر اجتناب‌ناپذیری وجه اجبارآمیز دولت کم‌و‌بیش تأکید کرده‌اند. دولت‌ها معمولاً قدرت خویش را در مفهوم اجباری آن به سه صورت اعمال می‌کنند: یکی، اجبار ابزاری؛ دوم، ساختاری و سوم، ایدئولوژیک. اجبار ابزاری به معنی تحمیل اراده حکومت بر فرمانبران از طریق کاربرد ابزارهای مادی و آشکار است. ارتش، پلیس، زندان و نیروهای امنیتی و دادگاه‌ها وسایل اجبار ابزاری حکومت است. اجبار ساختاری آن نوع اجباری است که در ساختار قوانین و مقررات تعبیه شده و با اجرای آن دیگر حکومت مجبور نیست لزوماً برای تأمین اهداف خویش به زور متوسل شود و یا دست‌کم از شمار کاربردهای اجبار ابزاری می‌کاهد. بدین ترتیب، اجبار ساختاری اساساً پیشاپیش، امکان مخالفت را از میان می‌برد.

برخی صاحب‌نظران از اجبار ایدئولوژیک نیز سخن گفته‌اند، در حالی که در اجبار ابزاری و ساختاری فرد می‌داند که باید از قدرت برتر حکومت و یا قوانین آن اطاعت کند و چاره‌ای دیگر ندارد، در اجبار ایدئولوژیک وی اصولاً به اینکه مورد اجبار قرار گرفته واقف نیست، زیرا منطق عامل اجبار به نحوی به وی القا شده که آن را طبیعی و معقول می‌پندارد. بسیاری دولت‌ها دارای دستگاه‌های تبلیغ عقیده و ایدئولوژی هستند، چه بدون آنها مشروعیت دولت، قوام نخواهد یافت. البته پذیرش ایدئولوژیک می‌تواند در فرایند «جامعه‌پذیری سیاسی»^۱ صورت گیرد (بشیریه، ۱۳۸۰: ۸۸ - ۸۵).

ب) وجه ایدئولوژی

ایدئولوژی در عین اینکه کاربرد زیادی دارد، یکی از مشکل‌ترین مفاهیم سیاسی و اصطلاحی است که هم در محافل علمی و آکادمیک و هم در بحث‌های روزمره دارای معانی

1. Political Socialization

فناوری اطلاعات، ارتباطات و سیاست ❖ ۷۵

متعددی است (Robertson, 1985: 152-153). این واژه را به آرمان، انگارگان، اندیشه‌ورزی، مرام، مسلک، اعتقاد مسلکی، پندارها و اندیشوارگی ترجمه کرده‌اند (بريجانيان، ۱۳۷۱: ۳۹۳). همچنین آن را به دانش ایده‌ها، ماهیت و سرچشمه‌های آن و نیز دکترین، عقاید و روش‌های تفکر فرد، گروه و طبقه و مجموعه‌ای از ایده‌ها که به‌خصوص درباره سیستم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است معنا کرده‌اند (Guralink, 1980: 696).

تعداد زیادی از دانشمندان علوم اجتماعی، مفهوم موسعی از ایدئولوژی را به عنوان «نظامی از ایده‌ها، باورها و ارزش‌ها» مطرح کرده‌اند که متضمن تفسیری جامع از تاریخ است، نظریه دقیقی از نظم اجتماعی را شکل می‌دهد و با تکرار تلقین‌کننده ایده‌ها از طریق نظام ارزشی، باور و وفاداری توده‌ها را جلب می‌نماید (Foran, 1996: 203-227).

مفهوم ایدئولوژی در معناهای متنوعی از جمله دانش ایده‌ها، آگاهی کاذب، جهان‌بینی طبقه، جامعه‌شناسی معرفت، آرمان غیرعقلانی معطوف به عمل و به معنای یک نظام معنایی و یک مفهوم فرهنگی بررسی شده است. همچنین این مفهوم دارای کارکردهای اجتماعی متعددی است. مثلاً «پلامناتس» معتقد است در عصر ما دست‌کم برای دستیابی به چهار مقصود زیر از ایدئولوژی بهره‌برداری شده است: تشکیل و حفظ انسجام گروه‌های سیاسی، ترغیب مردم به فداکاری‌های بزرگ در راه آرمان‌های آن، گسترش دادن قدرت حکومت و بالاخره تسلط یافتن بر احزاب و دیگر سازمان‌های اجتماعی (پلامناتس، ۱۳۷۳: ۱۷۹).

«ژان بشلر» نیز در کتاب خود برای ایدئولوژی پنج کارکرد صف‌آرایی، توجیه، پرده‌پوشی، موضع‌گیری و بالاخره دریافت یا ادراک را مشخص کرده است. وی معتقد است سیاست با یاری ایدئولوژی می‌تواند وظایف خود را تمام و کمال انجام دهد (بشلر، ۱۳۷۰: ۶۷ - ۶۱).

صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که همه دولت‌ها دارای چهره ایدئولوژیک و مشروعیت‌بخش هستند و در توجیه حکومت خود و اطاعت اتباع، دلایل و توجیهاتی می‌آورند. دلایلی که حکام برای توجیه قدرت خود می‌آورند ممکن است درون‌گروهي باشد، یعنی خودشان را در حکومت مُحق بدانند، در این صورت منظور از مشروعیت، حقانیت است و یا ممکن

۷۶ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

است این دلایل برون‌گروهی باشد، یعنی قابل ارزیابی و داوری به وسیله گروه‌های خارج از قدرت نیز باشد. مشروعیت در مفهوم قانونی بودن، پذیرش همگانی، محبوبیت و کارآمدی، خصلت برون‌گروهی دارد.

به هر حال، ایدئولوژی دستگاهی است که دولت به وسیله آن به خود مشروعیت می‌بخشد. البته مشروعیت نظام‌های سیاسی همواره ناب و خالص نیست، بلکه گاه ترکیبی از انواع مشروعیت‌ها در دولتی واحد قابل مشاهده است. بنابراین ایدئولوژی، مفهومی بنیادین در فرایند دولت‌سازی بوده و در جوامع مختلف در راستای ایجاد وحدت ملی و انسجام اجتماعی استفاده شده است (Brich, 1993: 15-22).

ج) وجه تأمین منافع عمومی

کارویژه‌های عمومی دولت را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد:

- ایجاد و حفظ همبستگی اجتماعی و سیاسی
- حل کشمکش‌ها و منازعه‌ها
- کوشش برای دستیابی به اهداف کلی حکومت
- کوشش در تطبیق با شرایط جدید و متحول (بشپریه، ۱۳۸۰: ۹۰ - ۸۸).

- ایجاد و حفظ همبستگی اجتماعی و سیاسی

نخستین کارویژه عمومی دولت، ایجاد و حفظ همبستگی بدون از میان بردن تنوع‌های اجتماعی است. در هر جامعه‌ای به حکم تقسیم کار اجتماعی، طبقات، شئون، گروه‌بندی‌های اجتماعی گوناگونی وجود دارد، بنابراین هیچ جامعه‌ای بسیط و یکدست نیست (بشپریه، ۱۳۷۲: ۹۷ - ۹۵).

مهم‌ترین عاملی که در جوامع از لحاظ اقتصادی، موجب رقابت و کشمکش گروه‌بندی‌های اجتماعی می‌شود، مسئله کمبود منابع مطلوب است که خود برحسب تعبیرهای مختلف نتیجه کمبود طبیعی منابع، توزیع نابرابر اجتماعی و نیازهای فزاینده جدید است. با توجه به

❖ سال دوازدهم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۳۹۰

چنین تعارض‌ها و پارگی‌های اجتماعی، همبستگی و تداوم جامعه نیازمند تکوین هنجارها و ارزش‌های مشترک کلی است.

البته ظاهراً نهادهای فرهنگی، مذهبی و آموزشی مسئولیت عمده در عرضه و حفظ چنین ارزش‌هایی را بر عهده دارند، اما دولت در مفهوم گسترده آن، خود در ایجاد و تثبیت چنین نهادهایی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. به‌ویژه دولت‌های مدرن کوشیده‌اند از طریق ایدئولوژی به هویت‌بخشی اجتماعی بپردازند و بر فراز موزائیک یا اجزای پراکنده جامعه، هویت ملی و اجتماعی تولید کنند (Held, 1996: 70-94).

- حل کشمکش‌ها و منازعه‌ها

در حالی که ایجاد همبستگی با ارزش‌های جامعه ارتباط دارد، حل منازعه‌ها، به قوانین و هنجارها مربوط می‌شود. در مجموع، ارزش‌ها نامرئی، غیرآگاهانه و ساختاری هستند، اما هنجارها قواعد آشکار و آگاهانه‌ای هستند که در قالب قوانین و مقررات ظاهر می‌شوند و اغلب ضمانت اجرایی دارند. هنجارها در واقع همان نظام حقوقی و قوانین و قواعد آن هستند. از دیدگاهی حکومت همان مجموعه قوانین حاکم در جامعه است که برای جلوگیری از بروز منازعه‌ها و حل آن تعبیه شده‌اند. از همین دیدگاه حقوق و نظام حقوقی پاره‌ای از سیاست و دولت است. در همه جا دولت‌ها آنچه جرم و خیانت شناخته شده، تعیین و مجازات می‌کنند.

- کوشش برای دستیابی به اهداف کلی حکومت

سومین کارویژه عمومی دولت‌ها، کوشش برای دستیابی به اهداف کلی یا معینی است که برای خود در نظر گرفته‌اند. مهم‌ترین اهداف حکومت در دولت‌های امروزی، اهداف اقتصادی است. سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها در رأس اولویت‌ها قرار دارد و بیشترین مباحثه‌ها را برمی‌انگیزد.

چهار هدف اصلی در سیاست‌های اقتصادی دولت‌های رفاهی امروز در ادامه می‌آید:

❖ ۷۸ نامه پژوهش فرهنگی

- رشد اقتصادی
- تثبیت اقتصادی
- تأمین اشتغال کامل
- حفظ موازنه پرداخت‌های خارجی.

منظور از رشد اقتصادی، افزایش تولید و درآمد ملی است. منظور از تثبیت اقتصادی، کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از تورم بی‌رویه است. تأمین کار و اشتغال کامل در نظام سرمایه‌داری صنعتی و نیمه‌صنعتی امروز یکی از شرایط تأمین عدالت اجتماعی محسوب می‌شود. تأمین همزمان این اهداف معمولاً کار دشواری است و نیازمند سیاست‌گذاری اقتصادی دقیق و سنجیده‌ای می‌باشد، زیرا معمولاً رشد اقتصادی، میزانی تورم به همراه می‌آورد و تثبیت اقتصادی ممکن است از رشد اقتصادی جلوگیری کند. همچنین تأمین اشتغال کامل، قدرت خرید و تمایل به افزایش تورم را گسترش می‌دهد.

- کوشش در تطبیق با شرایط جدید و متحول

دولت‌های ملی مدرن، در متن شبکه‌های گسترده‌ای از روابط گوناگون قرار دارند و با محیط اطراف خود ناگزیر دادوستد پیدا می‌کنند. همچنین این دولت‌ها از لحاظ نظامی، فنی و مالی با یکدیگر در رقابت بوده‌اند. از این رو، پیشرفت‌های فنی و نظامی دولت‌ها، حس رقابت و انگیزه اصلاح و نوسازی مالی و فنی را در آنها برمی‌انگیزد. به طور کلی می‌توان گفت دولت‌های مدرن، نوساز نیز هستند و همانند موجودات اندام‌وار و زنده باید برای تضمین بقای خود، با شرایط متحول انطباق یابند. در حال حاضر تطبیق با شرایط جدید مستلزم پذیرش تحولات در فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی شده است.

(د) وجه خصوصی

در هر جامعه‌ای برخی گروه‌ها در ارتباط با دولت دارای موقعیت استراتژیکی و ممتاز هستند، از توانایی‌های مالی بیشتری برخوردارند، با گروه‌های حاکم رابطه نزدیک‌تری دارند،

توانایی اعمال نفوذ آنها بر دولت بیشتر است و دولت نیز به آنها نیاز بیشتری دارد. بنابراین دولت‌ها دارای چهره‌ای خصوصی نیز هستند و در همه جا گروه‌های ممتاز، ذی‌نفوذ و برجسته‌ای وجود دارند که از منابع مختلف قدرت برخوردارند و بر سیاست‌های دولتی اعمال نفوذ می‌کنند. بررسی عوامل مؤثر در اینکه دولت‌ها بیشتر چهره خصوصی و طبقاتی پیدا می‌کنند و یا از طبقه مسلط استقلال نسبی می‌یابند و بیشتر چهره‌ای عمومی و رفاهی به خود می‌گیرند، نیازمند طرح مباحث مٌطوّل است که از چارچوب و حوصله این مقاله خارج می‌باشد (بشیریه، ۱۳۸۰: ۹۷ - ۹۱).

۳. تحول دولت برحسب پایه‌های قدرت

چنان که گفتیم چهار چهره یا پایه اصلی دولت، یعنی اجبار، ایدئولوژی، چهره تأمین منافع عمومی و چهره خصوصی در همه نظام‌های سیاسی یافت می‌شود. به عبارت دیگر، حداقلی از هر کدام از این وجوه برای دولت اجتناب‌ناپذیر است. همه نظام‌های سیاسی کم‌وبیش دارای دستگاه‌های اجبار هستند، ایدئولوژی و عقیده‌ای برای توجیه قدرت خود عرضه می‌کنند، حداقلی از خدمات عام‌المنفعه چون تأمین نظم و امنیت را انجام می‌دهند و بیشتر مورد حمایت بخش‌های خاصی از منافع اجتماعی هستند. اما آنچه موجب تحول و پویایی نظام‌های سیاسی است، انبساط و انقباض هر کدام از این چهره‌هاست.

بر اساس اینکه کدام یک از چهار چهره مذکور وجه اصلی دولت را تشکیل دهد، چهار دسته بزرگ از نظام‌های سیاسی را می‌توان تمیز داد: اول، نظام‌های اقتدارطلب که عمدتاً مبتنی بر سلطه و اجبار و دستگاه‌های سرکوب هستند و خود ممکن است اشکال گوناگونی داشته باشند. دوم، نظام‌های ایدئولوژیک که اصولاً بر ایدئولوژی کلی و فراگیری تکیه می‌کنند. سوم، نظام‌های رفاهی که وجه اصلی خود را در تأمین خدمات عمومی آشکار می‌سازند و چهارم، نظام‌های طبقاتی که بیشتر بر منافع بخش خاصی از جامعه متکی هستند. تحول سیاسی، نتیجه تضعیف یکی از پایه‌های دولت و تکیه بر پایه دیگری است. به

۸۰ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

عبارت دیگر، بحران سلطه سیاسی (در وجه اجبار)، بحران مشروعیت (در وجه ایدئولوژی)، بحران کارایی (در وجه تأمین خدمات عمومی) و بحران ناشی از زوال حمایت اجتماعی دولت (در وجه تأمین منافع خصوصی) دولت‌ها را وادار می‌کند تا برای تثبیت و تحکیم قدرت خود به سیاست‌های دیگری روی آورند و چهره دیگری به خود بگیرند (بشپریه، ۱۳۸۰: ۹۷ - ۹۱).

۴. بررسی تأثیر متقابل فناوری اطلاعات، ارتباطات و دولت

ایجاد و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و دستاوردهای آن وابسته به پیدایش سیستم اطلاعاتی هوشمند در سطح ملی با کنترل، نظارت، هدایت و راهبری از سوی دولت الکترونیکی است. فناوری اطلاعات و ارتباطات و فراگیر شدن آن به عنوان نماد عصر حاضر، تأثیرات شگرفی بر پدیده دولت و مؤسسه‌های دولتی و نیز سایر نهادهای اجتماعی سیاسی بر جای گذاشته است. دولت‌ها در سپهر جامعه اطلاعاتی برای انجام کارکردهای معمول خویش و برآورده کردن نیازها و انتظارات شهروندان باید خدمات و محصولات خود را به شکل فزاینده‌ای کیفی‌تر و مطلوب‌تر کنند.

چنانچه گفتیم دولت الکترونیکی استفاده‌های سهل و آسان از فناوری اطلاعات و ارتباطات را به منظور توزیع خدمات دولتی، مستقیم و شبانه‌روز در اختیار شهروندان قرار می‌دهد. دولت الکترونیکی درصدد بسترسازی مناسب برای دسترسی موجه هرچه بهتر و بیشتر شهروندان به اطلاعات و خدمات دولتی، اصلاح کیفیت خدمات و ارائه فرصت‌های گسترده‌تر برای مشارکت در فرایندها و نمادهای مردم‌سالار است.

دولت الکترونیکی درواقع با استفاده از قابلیت‌های گسترده فناوری اطلاعات و ارتباطات، پتانسیل درخور توجهی را برای کاستن فوق‌العاده هزینه‌ها، افزایش سود و منافع، گسترش موارد قابل دسترسی و از بین بردن فاصله‌ها پیدا می‌کند و روشی کلیدی را برای دستیابی به بسیاری از اهداف امروزی نظام‌های سیاسی ارائه می‌کند (زرگر، ۱۳۸۲: ۲۸۸ - ۲۴۶). شهروندان

فناوری اطلاعات، ارتباطات و سیاست ❖ ۸۱

در دولت الکترونیکی از طریق شبکه‌های احداث شده می‌توانند در فعالیت‌های اجتماعی - سیاسی و اقتصادی حضوری فعال‌تر داشته باشند.

دموکراسی (مردم‌سالاری) الکترونیکی یکی از دستاوردهای دولت الکترونیکی معرفی شده است و دولت‌ها از طریق تحقق آن می‌توانند همه شهروندان را به طور فعالی در سرنوشت خویش دخیل سازند، تعاملات آنها با دولت و مشارکت سیاسی اجتماعی توده‌ها را تسهیل کنند و در نهایت انجام تکالیف آنها در برابر دولت و نیز دستیابی به حقوق طبیعی‌شان را در قبال انجام آن تکالیف بهبود و سرعت بخشند. شهروندان، بنگاه‌های اقتصادی و مؤسسه‌های دولتی می‌توانند از طریق دولت الکترونیکی فعالیت‌های گوناگونی نظیر موارد زیر را انجام دهند:

پرداخت مالیات و عوارض، تجدید گواهی‌نامه‌ها، دریافت و تجدید جواز کسب، ثبت شرکت‌ها، عقد قراردادهای، ثبت ازدواج و طلاق، ثبت تولد و مرگ، انجام فعالیت‌های مالی و اعتباری، شرکت در انتخابات، پرکردن فرم‌های الکترونیکی برای مقاصد مختلف، بازدید از مراکز سیاحتی، استفاده از کتابخانه‌های مجازی، پرداخت صورتحساب آب، برق، گاز و دهها مورد دیگر.

رسانه منتخب برای دولت الکترونیکی فعلاً اینترنت است و این پدیده، تغییرات شگرفی بر شیوه زیست انسان معاصر ایجاد کرده است (معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی بازرگانی، بی‌تا: ۵۰ - ۴۸) و با استفاده از آن دولت‌ها می‌توانند ظرفیت و توانمندی خود را در ارائه کارکردهای معمول خویش افزایش دهند.

دولت الکترونیکی با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و با بهره‌گیری از مدیریتی کارآمدتر، خدمات دولتی بهتری به شهروندان ارائه خواهد کرد، تعامل بهتری با شهروندان و بخش‌های بازرگانی و صنعتی به وجود می‌آورد، از طریق دسترسی بیشتر و بهتر به اطلاعات، خدمات به مردم در هر زمان و هر مکان ارائه می‌شود، تسهیلات با سرعت بیشتری در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد، انجام امور دولتی با شفافیت بیشتری انجام می‌شود و بالاخره

۸۲ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

مسئولیت‌پذیری نهادهای سیاسی در قبال افراد جامعه افزایش می‌یابد. همچنین کاهش بروکراسی اداری و کاغذبازی در نهادهای حکومتی یکی دیگر از مزایای دولت الکترونیکی است (محمدنژاد، ۱۳۸۳: ۱۳).

جدا از بسترهای لازم برای ایجاد و توسعه دولت الکترونیکی، برخی از چالش‌های پیاده‌سازی چنین دولتی مربوط به ابعاد سیاسی - اجتماعی و سیاست‌های اطلاعاتی مربوط به اینترنت به عنوان زیربنای پیاده‌سازی دولت الکترونیکی است. نظام‌های سیاسی برای حرکت به سمت دولت الکترونیکی ابتدا باید تحولات عمده‌ای را در زمینه‌های زیر ایجاد کنند:

- تغییر در نظام‌های آموزشی و هدفمند کردن این نظام به منظور افزایش دانش و توانمندی شهروندان در استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات. برای دستیابی به این هدف باید آموزش‌های پایه و بنیادین برای افزایش دانش زبان انگلیسی، استفاده از رایانه و خدمات شبکه و ... مورد توجه قرار گیرد

- آگاه کردن شهروندان از مزایا و امکانات دولت الکترونیکی و نیز فراهم کردن بستری ساده و آسان برای دسترسی شهروندان به خدمات الکترونیکی از طریق رسانه‌های ارتباطی

- جایگاه اطلاعاتی اولیه دولت بر روی وب از اهمیت بالایی برخوردار است، ولی این گام نخستین است و وجود محتوای مفید موضوع مهم دیگری است. با توجه به تلاش دولت‌ها برای رسیدن به موفقیت باید سطحی ضروری از زیرساخت‌های مخابراتی و دسترسی جهانی فراهم باشد. اما محتوا و مطالبی که بر روی وب‌سایت‌های دولت موجود است، باید چیزی فراتر از حجم عظیمی از اطلاعات باشد. برنامه‌ریزی و اجرای دولت الکترونیکی باید بر فعالیت‌هایی تمرکز داشته باشد که از طریق دولت الکترونیکی برای بهبود خدمات فعلی و ارتقا بخشیدن آنها استفاده می‌کنند

فناوری اطلاعات، ارتباطات و سیاست ❖ ۸۳

- ❖ - کمبود هماهنگی میان سطوح مختلف دولت می‌تواند تأثیر عمیقی بر موفق نبودن دولت الکترونیکی داشته باشد. همچنین طرح‌های دولت الکترونیکی می‌تواند به وسیله تعارض در اهداف میان سطوح مختلف دولت پیچیده شود. بنابراین باید سطوح دولت در یک کشور برای توسعه و اجرای استراتژی دولت الکترونیکی با یکدیگر همکاری داشته باشند.
- نیاز به توسعه راه‌های اندازه‌گیری و ارزیابی موفقیت طرح‌های دولت الکترونیکی همواره مورد توجه دولت بوده است. میزان محدود ارزیابی تقاضا، سود و کیفیت خدمات طرح‌های الکترونیکی تاکنون به مثابه نقطه ضعفی بزرگ باقی مانده است. با توجه به این هدف که ایجاد دولت الکترونیکی به منظور رفع نیاز مردم است، ارزیابی‌ها باید نیازها، قابلیت‌ها، قدرت هضم و اطلاعات دیگر را درباره شهروندان بررسی کند. همچنین باید رفتارهای اطلاعاتی را که مانع تحقق دولت الکترونیکی می‌شود، شناسایی کنیم و آنها را اصلاح نماییم.
- مشکل دسترسی به اینترنت درست مانند مشکل اتصال به دیگر ابزارهای ارتباطات و فناوری اطلاعات است. این امر مسئله‌ای است که امروزه در درون و بیرون از مرز کشورها به چالشی مهم تبدیل شده و از آن با عنوان «شکاف دیجیتالی» یاد می‌شود. خطر عمیق‌تر شدن این شکاف نیز همواره وجود دارد، بنابراین برای اینکه دولت الکترونیکی در میان مردم اثربخش شود، باید زیرساخت‌های تکنولوژیکی لازم را به منظور ارائه خدمات به شهروندان هرچه سریع‌تر مهیا کرد.
- تعامل الکترونیکی با دولت نباید موجب کاهش پاسخگویی کارکنان دولت به شهروندان شود. اگر کارکنان دولت به دلیل اینکه به صورت فیزیکی مردم را نمی‌بینند یا با آنها سخن نمی‌گویند، کمتر پاسخگو باشند، آنگاه دولت الکترونیکی باعث عدم شفافیت و مسئولیت‌ناپذیری مدیریت دولتی می‌شود (محمدنژاد، ۱۳۸۳: ۱۳).
- ایجاد تحول در ساخت سیاسی و حرکت به سمت ساخت دوجانبه قدرت که در

آن تعامل میان دولت و شهروندان به راحتی صورت می‌گیرد، پذیرش حقوق طبیعی شهروندان در تعیین سرنوشت سیاسی خود از طریق سهیم کردن آنان در روند تصمیم‌سازی، ایجاد فضای باز سیاسی که در آن خواست عمومی اکثریت، به تصمیم سیاسی، قانون و مقررات تبدیل شده، در عین حال به حقوق اقلیت نیز توجه می‌شود، کمک به پیدایش افکار عمومی پویا از طریق گسترش رسانه‌های ارتباطی و فعال کردن بخش خصوصی در آن و... تغییراتی است که باید دولت در حوزه سیاست به آن توجه نماید.

آنچه گفتیم تحولاتی است که باید در سطح دولت برای گسترش کاربرد فناوری اطلاعات رخ دهد. از سوی دیگر، با گسترش روزافزون کاربرد فناوری اطلاعاتی و پیدایش سیستم‌های اطلاعاتی هوشمند، یکپارچه و هماهنگ در سطوح ملی و فراهم کردن بسترهای مناسب به منظور ایجاد و توسعه آن، زمینه‌های توانمند شدن دولت برای انجام کارکردهای معمول آن به شکل مطلوب‌تر فراهم می‌شود. نظام‌های سیاسی مبتنی بر جامعه اطلاعاتی در راستای تحول ساختارهای اجتماعی و اقتصادی، به ساختار و قدرت اطلاعاتی دست می‌یابند و حتی از جوامع صنعتی فاصله می‌گیرند. به عبارت دیگر، جامعه اطلاعاتی با ایجاد تغییر در زوایای مختلف جامعه، اساس قدرت نظامی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دولت را شکل می‌دهد (زرگر، ۱۳۸۵: ۱۱۵ - ۱۱۳).

فناوری اطلاعات و ارتباطات خود وابسته به پیدایش تحولات عمیقی در زیرساخت‌های متنوعی است که تحقق آنها در یک کلمه به معنای پیدایش دولت الکترونیکی است. با پیدایش چنین دولتی، کارکردهای چهارگانه‌ای که از آنها در بخش پیشین صحبت کردیم نیز دستخوش تغییرات ژرفی خواهد شد.

وجهه و چهره اجبارآمیز دولت که گریزی از آن نیست، با به کارگیری فناوری اطلاعات و دستاوردهای آن از کاربرد اجبار ابزاری فاصله گرفته و از اعمال قدرت عریان و خشونت‌بار به اقتدار دولت تحول می‌یابد. اجبار ابزاری که به معنای کاربرد ابزارهای مادی و آشکار

فناوری اطلاعات، ارتباطات و سیاست ❖ ۸۵

قدرت مانند ارتش، پلیس، زندان، نیروهای اطلاعاتی - امنیتی و نهادهای موجود در دستگاه قضایی است، در صورت استفاده نظام‌مند از فناوری اطلاعات در انجام کارکردهای خود، بسیار موفق خواهند بود. همچنین اجبار ابزاری می‌تواند در ساختار قوانین و مقررات ملحوف شود یا در قالب ایدئولوژی بازتولید شود.

فناوری اطلاعات در سیستم‌های اطلاعاتی هوشمند در این فرایند نقش بسیار مهمی خواهد داشت. نکته این است که با توسعه سیستم‌های اطلاعاتی هوشمند، می‌توان اعمال قدرت دولت بر شهروندان را غیرمحسوس و غیرملموس انجام داد، یعنی فرد در حالی که سپهر خصوصی زندگی‌اش به شدت از سوی سیستم‌های اطلاعاتی تحدید شده است، ولی احساس فقدان امنیت فردی و از دست دادن آزادی‌ها و حقوق طبیعی‌اش را ندارد.

برای مثال مالیه الکترونیکی (بانکداری الکترونیکی، بیمه‌ها و مالیات الکترونیکی، بازارهای سرمایه الکترونیکی و...) که از دستاوردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات است و امکان تجارت و کسب‌وکار را از طریق اینترنت فراهم کرده و جایگاه ویژه‌ای به تجارت الکترونیکی در کشورهای توسعه‌یافته داده است (صنایعی، ۱۳۸۱: ۳۲) امکان نظارت، کنترل و مدیریت بر تراکنش‌های مالی افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی، بنگاه‌ها و مؤسسه‌های اقتصادی را برای دولت میسر می‌سازد، در حالی که شهروندان و بنگاه‌های اقتصادی در این فضا تسهیلاتی برای انجام مبادله‌های اقتصادی - تجاری به دست آورده‌اند، هزینه‌های آنها کاهش یافته و ظاهراً در دستیابی به منافع بیشتر موفق‌ترند، اما امکان کنترل تراکنش‌های مالی آنها از طریق سیستم‌های اطلاعاتی برای دولت فراهم شده است و دولت می‌تواند اقتدار خویش را از طریق این بستر الکترونیکی تضمین نماید.

درواقع در این سیستم، چهره اجبارآمیز دولت به نحوی تعبیه شده است و افراد حقیقی و حقوقی در اجتماع بدون اینکه احساس کنند، مطیع قدرت دولت شده‌اند و دولت از طریق سیستم‌های اطلاعاتی، محیط تحت حاکمیت خود را کنترل و نظارت می‌کند. سیستم‌های اطلاعاتی چنان سپهر خصوصی حیات فردی را کنترل می‌کنند که حتی از طریق بنزین زدن

۸۶ ❖ نامه پژوهش فرهنگی

خودرو با کارت‌های اعتباری می‌توان افراد را در جامعه «رصد» کرد. بنابراین فناوری اطلاعات و ارتباطات در اعمال چهره اجبارآمیز دولت تأثیر مثبت دارد و بدون اینکه افراد احساس کنند، سپهر حیات فردی آنان را تحدید می‌کند.

فناوری اطلاعات و ارتباطات بر وجه ایدئولوژی و کارکردهای آن در دولت نیز نقش درخور توجهی دارد. گفتیم وجه ایدئولوژیک وجه مشروعیت‌بخشی به اقتدار دولت است و مشروعیت مدرن، اقتدار دولت را در رضایت، کارآمدی و قانونی بودن جستجو می‌کند. پیدایش دولت الکترونیکی فرصتی را فراهم کرده است تا در جوامع مدرن بتوان از حاکمیت الکترونیکی، مشروعیت الکترونیکی و ایدئولوژی الکترونیکی صحبت کرد.

شاید مهم‌ترین تأثیر ایجاد و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات که خود در بستر توسعه دولت الکترونیکی شکل می‌گیرد، بر وجه عمومی دولت‌ها و در تقویت کارکرد بُعد رفاهی آنها باشد. کارویژه‌های عمومی دولت‌های رفاهی در حل کشمکش‌ها و منازعه‌ها، حفظ همبستگی اجتماعی و سیاسی، کوشش برای دستیابی به اهداف کلی حکومت و کوشش در تطبیق با شرایط جدید و متحول را می‌توان جستجو کرد و بدیهی است دولت با به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در انجام این کارکردها بسیار موفق خواهد بود.

برای مثال ایجاد شفافیت در تراکنش‌های مالی و کسب‌وکار و تجارت و در دسترس قرار دادن فرصت‌های برابر برای افراد و مؤسسه‌های اقتصادی برای ورود به رقابت سالم به منظور دستیابی به منابع محدود، فرصت‌های نابرابر (رانت‌های) ایجادکننده فساد را کاهش داده و دولت را نیز از ماهیت فرصت‌های نابرابر (رانتی بودن) دور می‌کند.

فقدان تبعیض و فراهم کردن بستر مناسب برای ورود به رقابت‌های اقتصادی می‌تواند به گسترش همبستگی اجتماعی کمک کند. همچنین این شفافیت تأثیرات مثبتی بر حل کشمکش‌ها و منازعه‌های اجتماعی از طریق فراهم‌سازی بسترهای حقوقی و حاکمیت قواعد و هنجارهای اجتماعی در قالب قوانین و مقررات دارد.

فناوری اطلاعات، ارتباطات و سیاست ❖ ۸۷

بنابراین می‌توان گفت مهم‌ترین تأثیر توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات بر وجه تأمین منافع عمومی دولت‌هاست. امروزه اهداف نظام‌های سیاسی مدرن در تحقق توسعه همه‌جانبه، پایدار و مستمر ترسیم می‌شود و بدیهی است فناوری اطلاعات و ارتباطات با لوازم آن تأثیرات مثبتی بر رشد و تثبیت اقتصادی، حرکت به سوی اشتغال کامل و افزایش توان دولت در دستیابی به ذخایر ارزی دارد و موازنه پرداخت‌های خارجی را حفظ خواهد کرد و بالاخره در این وجه تطبیق با شرایط جدید که مستلزم پذیرش تحولات در فناوری ارتباطی و اطلاعاتی است، از مسیر ایجاد و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تطبیق‌پذیری و انعطاف‌پذیری دولت را افزایش خواهد داد. نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدیریت دانش و موفقیت در اقتصاد جهانی نیز انکارناپذیر است (رادینگ، ۱۳۸۶: ۸۳ - ۷۲).

رکن چهارم دولت‌ها تکیه آنها بر طبقه‌های اجتماعی است. اصولاً در مباحث جامعه‌شناسی سیاسی عقیده بر آن است که فقدان ارتباط منطقی بین دولت و طبقه‌های اجتماعی یا استقلال دولت از طبقه‌های متوسط، آسیب‌پذیری‌های نظام سیاسی را افزایش می‌دهد. گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند به گسترش طبقه متوسط کمک کرده، از قطبی شدن جامعه جلوگیری کند و در نتیجه، نفوذ طبقه بالا را در دولت کاهش دهد و به استقلال نسبی دولت از طبقه مسلط اقتصادی یاری رساند.

با عنایت به موضوع تحول دولت‌ها برحسب پایه‌های قدرت می‌توان گفت فناوری اطلاعات و ارتباطات، دولت‌ها را از نظام‌های سیاسی طبقاتی دور می‌کند و آنها با افزایش ظرفیت و توانمندی خویش در جهت تأمین منافع عمومی، نیاز کمتری به کاربردهای مادی اجبار و سرکوب یا کاربرد وسیع ایدئولوژی پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند وجه تأمین منافع عمومی دولت‌ها را به ضرر سایر وجوه و ارکان دولت توسعه دهد و بدین شکل چرخش دولت به سوی نظام‌های سیاسی رفاهی را تقویت نماید.

تنگناهای شناسایی شده در کشور ما در فرایند بالا شامل موارد زیر بوده که البته طی

❖ ۸۸ نامه پژوهش فرهنگی

سال‌های اخیر گام‌های بلندی در حل آنها برداشته شده است: آماده و کافی نبودن زیرساخت‌های فنی، مخابراتی، پستی، کمبود زیرساخت‌های حقوقی لازم برای اقتصاد الکترونیکی، پایین بودن آگاهی عمومی، نبود راهبردها و سیاست‌های کلان اقتصاد نوین ایران، تأکید زیاد بر راهبردهای سنتی توسعه اقتصادی، دولتی بودن بخش عظیمی از اقتصاد کشور، مشکلات کشور در زمینه تولید دانش و وجود فرصت‌های نابرابر (رانت) در برخی از بخش‌های اقتصادی کشور (شریعتمداری، ۱۳۸۲: ۱۵ - ۱۴).

فناوری اطلاعات و ارتباطات و تأثیر آن بر توسعه سیاسی

با مروری بر منابع در دسترس می‌توان ادعا کرد آنچه مدنظر محققان در این ادبیات علمی قرار گرفته حداکثر بررسی این تأثیر بر رشد و توسعه اقتصادی است. در این قسمت از مقاله ابتدا به طرح مفهوم توسعه سیاسی و شاخص‌های معرف آن و نیز غایت توسعه‌یافتگی سیاسی در عرصه‌های مختلف می‌پردازیم و سپس تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات را بر متغیرهای معرف توسعه سیاسی و عرصه‌های آن به اختصار بیان خواهیم کرد.

۱. مفهوم توسعه سیاسی و شاخص‌های معرف آن

توسعه سیاسی واژه‌ای است بسیار پیچیده که به معانی مختلف تعبیر و تفسیر شده است و اندیشمندان علم سیاست در مورد مفهوم آن اتفاق نظر کامل ندارند. رهیافت‌های متنوعی معطوف به جامعه، دولت، ساختارهای اجتماعی و نهادسازی مرتبط با این مقوله مطرح شده است (Kingsbury, 2007: 7-23).

مقوله توسعه سیاسی همراه با بحث از نوسازی، مدرنیزاسیون و مدرنیته از اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی و اوایل دهه ۱۹۶۰ به تدریج در چارچوب مطالعه سیاست‌های تطبیقی مورد توجه اندیشمندان علوم سیاسی قرار گرفت. پس از جنگ جهانی دوم برداشت‌های بدبینانه به دستاوردهای مدرنیته به تدریج به حاشیه رانده شد و محققان با توجه به توسعه‌یافتگی

برخی کشورهای پیشرفته این مقوله را از بُعدی مثبت و امیدوارکننده تجزیه و تحلیل کردند. از اواخر دهه ۱۹۶۰ محققان علوم سیاسی به عوامل اجتماعی و سیاسی بیش از عوامل و شاخص‌های اقتصادی برای فهم مقوله توسعه بها دادند و تلاش کردند شاخص‌هایی را به دست دهند تا ارزیابی توسعه اقتصادی از طریق آنها امکان‌پذیر شود. البته اینان معترف‌اند گرچه معیارهای توسعه اقتصادی با نمایه‌های قابل اندازه‌گیری کمی، تقریباً مشخص شده، اما درباره مفهوم توسعه سیاسی مسئله بغرنج‌تر است، زیرا توسعه سیاسی جنبه‌های کیفی بیشتری دارد و مفاهیمی مانند فرهنگ سیاسی، مشارکت سیاسی، افزایش آگاهی سیاسی، رقابت سیاسی، سازوکارهای غیرخشونت‌بار انتقال قدرت، نهادهای معرف جامعه مدنی و نهادینگی آنها و... مجموعاً وضعیتی به وجود می‌آورند که به سادگی نمی‌توان درباره توسعه سیاسی قضاوت کرد. اما به هر حال، این محققان تلاش کرده‌اند متغیرها و شاخص‌هایی را به دست دهند تا فهم مقوله توسعه سیاسی امکان‌پذیر شود.

با گرفتن یک مخرج مشترک از نظریه‌های متنوع، توسعه سیاسی را می‌توان فرایندی دانست که طی آن مجموعه نظام از آن چنان فرهنگ خودفزاینده و ظرفیت هماهنگ‌ساز و توان سازگاری برخوردار می‌شود که می‌تواند ثبات، تعادل و مشروعیت سیاسی خود را حفظ نماید. همچنین به جستجوی آگاهانه و موفقیت‌آمیز برای افزون شدن کیفی ظرفیت سیاسی خود از طریق ایجاد نهادهای مؤثر و موفق نائل آید (حجاریان، ۱۳۷۱: ۴۲).

خلاصه اینکه در حال حاضر نظریه‌پردازان توسعه، مدعی معرفی شاخص‌هایی هستند که از طریق آنها می‌توان درباره توسعه‌یافتگی سیاسی کشورها قضاوت کرد. اینان معتقدند اگر موضوع‌های متعلق به توسعه سیاسی را به عرصه‌های ساخت اجتماعی، ساخت سیاسی، فرهنگ سیاسی، رفتار سیاسی و فرایند سیاسی تقسیم کنیم، غایت توسعه‌یافتگی در این عرصه‌ها را می‌توان در پنج شاخص خلاصه کرد که مبین فرایند رو به بهبود در نظام سیاسی و ساخت‌های متنوع آن است:

الف) ثبات و تعادل سیاسی (ناشی از نهادینه شدن سنن، ساخت‌ها و فرهنگ سیاسی)

❖ ۹۰ نامه پژوهش فرهنگی

- (ب) دموکراسی با همه لوازم آن از قبیل: کثرت گرایی، خودگردانی، توزیع قدرت، تداول قدرت و...
- (ج) اقتدار دولت (ناشی از ظرفیت عمل سیاسی، توان پاسخگویی به نیازها و قدرت رفرم درونی و ...)
- (د) مشارکت سیاسی (ناشی از جذب کامل نخبگان و نمایندگان اقشار و طبقات در قدرت دولتی و گسترش پایگاه مشروعیتی نظام)
- (ه) قانونی بودن (شامل عینی و غیرشخصی شدن نهادهای حقوقی، ثبات و تداوم عملکردها و رویه‌ها، الگوهای متکامل تصمیم‌گیری، استقلال قانون‌گذاری و ...) (حجاریان، ۱۳۷۲: ۲۸۰ - ۲۴۰).

۲. بررسی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توسعه سیاسی

گفتیم که توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و استفاده نظام‌مند از پدیده اینترنت در سال‌های اخیر بسیار حائز اهمیت شده است. اینترنت به مثابه رسانه‌ای چندبُعدی، دسترسی به بانک‌های اطلاعاتی بسیاری را از مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌ها و نیز امکان برقراری ارتباطات زنده با اشخاص حقیقی و حقوقی را فراهم می‌سازد. در بستر وب، جستجوی انواع داده‌ها و اطلاعات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و جز آن میسر می‌شود و آگاهی کاربران از اخبار و تحولات جهانی در همه زمینه‌ها افزایش می‌یابد. همچنین امکان شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و حضور در سازمان‌های سیاسی و انجمن‌ها فراهم می‌گردد. اینترنت فضایی را مهیا کرده است که در دنیایی مجازی دسترسی به انواع خدمات مانند خرید، کار، گشت‌وگذار مجازی، استفاده از خدمات بانکی، تجارت الکترونیکی در ابعاد متنوع آن (C2A, B2A, C2C, B2C, B2B) و... استفاده از دستاوردهای نشست‌های علمی و... امکان‌پذیر شده است (زرگر، ۱۳۸۰).

توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در سال‌های اخیر رشد درخور توجهی کرده و

فناوری اطلاعات، ارتباطات و سیاست ❖ ۹۱

❖ سال دوازدهم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۳۹۰

تأثیرات شگرفی بر سایر ساخت‌های جامعه در درون مرزهای کشورها و نیز در روابط بین ملت‌ها ایجاد خواهد کرد. مثلاً فناوری که نمادی از دنیای مدرن کنونی است با شتابی فوق‌العاده، دگرگونی‌های عمده‌ای را در همه زمینه‌ها ایجاد خواهد کرد. در دهه آینده که بخش ناچیزی از زمان و تاریخ حیات اجتماعی بشر است، پیش‌بینی می‌شود تغییراتی ژرف‌تر از همه دوران زندگی قبلی انسان رخ دهد.

هرچند دگرگونی‌های اجتماعی حادث شده، معلول دخالت متغیرهای متعددی است، در این میان از نقش توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات نمی‌توان صرف‌نظر کرد. جوامع به موازات این دگرگونی‌های همسو، قرابت و شباهت‌های بیشتری پیدا می‌کنند. نظریه همگرایی به فهم برخی از ویژگی‌های تحولات امروزی کمک می‌کند.

در جامعه فراصنعتی همراه با توسعه نظم اجتماعی جدید که مبتنی بر دانش و اطلاعات است، شاهد تحولات زیر هستیم؛ این تحولات سایر جوامع را نیز کم‌وبیش دستخوش تغییرات کرده است:

- آهنگ فوق‌العاده سریع نوآوری فناوری همراه با تأثیر فناوری اطلاعات و ریزالکترونیک
- درگیری فزاینده همه جوامع صنعتی در شبکه به هم پیوسته‌ای از ارتباطات جهانی
- تحولات عمده در درون حوزه‌های خانوادگی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی (گیدنز، ۱۳۷۳: ۹۹ - ۶۹۷).

البته برخی معتقدند جهانی شدن، گسترش ارتباطات بین‌المللی شده بازار سرمایه و تحرک فزاینده سرمایه مالی، روند تصمیم‌گیری مقامات سیاسی منتخب مردم را در سطح کشورها محدود می‌کند و به گسترش وابستگی بین‌المللی به متابه تهدیدی علیه حاکمیت‌های ملی می‌انجامد و خودکفایی سیاسی کشورها را کاهش می‌دهد (بشیریه، ۱۳۸۰: ۲۱۴ - ۲۱۲).

با عنایت به مطالب بالا، در این قسمت قصد داریم به بررسی تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر عرصه‌های ساخت اجتماعی، ساخت سیاسی، فرهنگ سیاسی و فرایند سیاسی بپردازیم.

الف) تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر ساخت اجتماعی

پیدایش جامعه مدنی نیرومند، تحول در ساختار اجتماعی و پدید آمدن نیروهای اجتماعی سازمان‌یافته از لوازم توسعه‌یافتگی سیاسی است. به عبارت دیگر، در نتیجه تحول در تقسیم کار اجتماعی، پیچیده‌تر شدن ساختار جامعه، افزایش نقش‌ها و نهادهای اجتماعی، گروه‌هایی که نماینده منافع بخش‌های گوناگون جامعه هستند و به چنین منافعی سازمان می‌دهند و اراده معطوف به نفوذ، در قدرت یا تصرف آن می‌یابند و متقاضی مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری مؤثر در سرنوشت جامعه‌اند، پدید می‌آیند. از نظر «بارینگتن مور» پیدایش برخی طبقه‌های مستقل از سلطه قدرت دربار و ایجاد تعادلی نسبی میان قدرت دربار و قدرت اشرافیت زمیندار در توسعه دموکراسی و پیدایش گروه‌های اجتماعی فعال در فضای سیاست نقش داشته است (مور، ۱۳۶۹: ۱۱). در فقدان چنین گروه‌هایی شاهد مفقود شدن رابطه اندام‌وار و ارگانیک میان نظام سیاسی و جامعه و متصلب شدن ساخت اجتماعی خواهیم بود. در مجموع دو وضعیت فقدان چنین گروه‌هایی را نشان می‌دهد:

اول، جوامع عقب‌مانده‌ای که هنوز چنین گروه‌هایی در آنها پیدا نشده‌اند، زیرا تحول در نظام اقتصادی معیشتی رخ نداده و تقسیم کار اجتماعی گسترده پدیدار نشده است. دوم، جوامعی که دارای چنین گروه‌هایی هستند، اما دولت و نظام سیاسی به دلایل گوناگون آنها را سرکوب یا تضعیف کرده است. در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته به لحاظ سیاسی این وضعیت اخیر مشاهده می‌شود.

وضعیت اخیر، مبین رخ دادن نوسازی اقتصادی و اجتماعی است که به معنی پیدایش گروه‌های اجتماعی، مستعد دخالت و مشارکت در زندگی سیاسی است، اما نظام سیاسی و دولت مجال چنین حضوری را در خانه قدرت به آنها نمی‌دهد.

به این ترتیب بحرانی در روند توسعه سیاسی ایجاد می‌شود که «بحران تأخر» نامیده می‌شود؛ بدین معنا که ساخت سیاسی در مقایسه با ساخت اجتماعی، عقب‌ماندگی دارد و نوعی عدم تعادل در جامعه احساس می‌شود (Huntington, 1968: 264).

عقیده بر این است که با توجه به تأثیرات شگرفی که فناوری اطلاعات و ارتباطات بر حیات اجتماعی، سیاسی بر جای می‌گذارد، گذار از بساطت و تصلب ساختاری و حرکت به سوی انعطاف‌پذیری ساخت اجتماعی به مثابه محمل مادی ساخت سیاسی تسهیل می‌شود. البته الگوی پیدایش جامعه منسجم، نیرومند و مرتبط با دولت، الگویی آرمانی است که فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند فاصله کشورها را با آن کاهش دهد.

ب) تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر ساخت سیاسی

نظام‌های سیاسی توسعه‌نیافته معمولاً دارای ساخت یک‌جانبه قدرت‌اند که در آنها مشروعیت دولت مبتنی بر ملاک‌های درونی است و صاحبان قدرت در توجیه مشروعیت خویش دلایل اثبات‌نشده‌ای اقامه می‌کنند. اما در ساخت دوجانبه قدرت، مشروعیت سیاسی بر قرارداد اجتماعی، اصل رضایت و تأمین مصلحت عمومی استوار است.

در ارتباط با مشارکت سیاسی که بودن یا نبودن آن و نیز نوع فعالانه یا منفعلانه آن به لحاظ نظری با پیدایش و نوع خاصی از رژیم‌های سیاسی پیوستگی دارد (سیف‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۹۴ - ۱۶۵) می‌توان گفت در ساخت یک‌جانبه قدرت، مردم مصدر حاکمیت نیستند و در تصمیم‌گیری‌های سیاسی به دلیل فقدان مجاری لازم حضوری ندارند. ولی در ساخت دوجانبه قدرت به دلیل وجود مجاری گوناگون از جمله احزاب سیاسی، گروه‌های سازمان‌یافته جامعه مدنی، افکار عمومی پویا، ارتباطات گسترده و... مشارکت توده‌ها در سیستم سیاسی میسر است.

البته این دو مفهوم، مجازی و مثالی‌اند و در سطح واقعیت جهانی هیچ‌کدام از این دو ساخت به صورت مطلق وجود ندارند و کشورها معمولاً بین این دو اکستریم قرار می‌گیرند. به هر حال، نهادمند شدن ساختار سیاسی بدین معناست که در حوزه این ساخت، نهادهای پایدار، معتمد، مستقل، پیچیده، منعطف و دارای وحدت و یکپارچگی شکل می‌گیرند که در غیاب اشخاص، قادر به انجام کارویژه‌های تعریف شده خویش هستند. برای مثال در جوامع

❖ ۹۴ نامه پژوهش فرهنگی

دارای توسعه سیاسی، احزاب به منزله نهادهای غیرحکومتی، جزء جدایی ناپذیر مردم‌سالاری و از ابزارها و نهادهای اصلی مشارکت عمومی به حساب می‌آیند. ویژگی اصلی نظام‌های مردم‌سالار (دموکراتیک) مشارکت مردم در تصمیم‌گیری برای اموری است که سرنوشت آنان بدان بستگی دارد (قوام، ۱۳۷۱: ۱۳۸)، یعنی مردم‌سالاری نوعی از حکومت است که در آن خلاف حکومت‌های دیگر (مونارشی، الیگارش‌ی و...) مردم حکومت می‌کنند (هلد، ۱۳۶۹: ۱۴).

مفهوم مردم‌سالاری (دموکراسی) مقارن با مشارکت هرچه بیشتر مردم در صورت‌بندی قدرت، تعیین نمایندگان، گرفتن تصمیم‌های کلی و خلاصه راهیابی به نفس قدرت سیاسی است. ویژگی‌های این نظام سیاسی عبارت است از: همگانی بودن مشارکت، وجود آزادی‌ها، چندگانگی سیاسی، حکومت اکثریت و احترام به اقلیت، برابری مردم و توزیع خردمندانه قدرت (سرشکن کردن قدرت در هیئت فرمانروا، تفکیک وظایف و تعدد نهادها و دوره‌ای بودن مشاغل سیاسی) (قاضی، ۱۳۷۱: ۷۷۱ - ۷۵۱).

تحقق این امور مستلزم ایجاد سازمان‌های جدید و شناسایی قانونی آنهاست تا مردم از این راه قدرت سیاسی را کنترل کنند (غنی‌نژاد، ۱۳۷۰: ۳۲) و فضای بحث و گفتگوی عمومی را که ویژگی بارز مردم‌سالاری است، پدید آورند (بیلی، ۱۳۶۶: ۱۰ - ۴).

درخصوص تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر این ساخت نیز می‌توان گفت فناوری اطلاعات و ارتباطات به شدت ساخت سیاسی را دچار تحول می‌کند. سیستم‌های اطلاعاتی، شبکه‌های رایانه‌ای هوشمند و ارتباطات گسترده مبتنی بر وب در پیدایش دولت الکترونیکی و افزایش ظرفیت آن در ارائه خدمات رفاهی بسیار تأثیرگذارند.

توانمند شدن دولت و گسترش وجه تأمین منافع عمومی آن، انعطاف‌پذیری ساخت سیاسی را افزایش و آن را از تصلب ساختاری دور می‌کند، هراس دولت از مشارکت گسترده توده‌ها و نهادهای معرف جامعه مدنی در حوزه سیاست رقیق‌شده کاهش می‌یابد و نظام سیاسی قابلیت آن را پیدا می‌کند که خواست عمومی مردم برای مشارکت در روند تصمیم‌سازی را به دلیل افزایش آگاهی حاصل از ارتباطات گسترده در خود، هضم کند.

فناوری اطلاعات، ارتباطات و سیاست ❖ ۹۵

استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات، نظام بروکراسی را نیز عقلانی‌تر و کارآمدتر می‌کند و نهادهای موجود در ساخت سیاسی، ظرفیت فزاینده‌ای را در انجام کارکردهای خویش به شکل مطلوب می‌یابند. بنابراین در مجموع می‌توان گفت تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر این ساخت نیز مثبت است.

ج) تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر فرهنگ سیاسی

منظور از فرهنگ به طور کلی مجموعه نگرش‌ها، بینش‌ها و طرز تلقی مردم به پدیده‌های مختلف مانند جامعه، جهان، زندگی سیاسی، غایت هستی، شیوه زیست و مانند آنهاست و به طور خاص، فرهنگ سیاسی مجموعه نگرش‌های مردم به پدیده‌های سیاسی مثل قدرت سیاسی است که از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. برای مثال در برخی از کشورها از دیرباز نوعی اعتماد به قدرت سیاسی وجود داشته است، در حالی که در برخی دیگر نوعی بدبینی و بدگمانی به حکام و صاحبان قدرت ملاحظه می‌شود.

همچنین نحوه نگرش مردم به انتظارات از دستگاه سیاسی در جوامع مختلف متفاوت است؛ در برخی از فرهنگ‌های سیاسی، انتظارات مردم از نظام سیاسی بسیار بالاست و دولت مسئول همه امور تلقی می‌شود، در حالی که در برخی دیگر از جوامع، فرهنگ سیاسی برای دولت نقش حاشیه‌ای و دست دومی قائل است و متقابلاً توقع‌های مردم از سایر نهادهای اجتماعی مانند انجمن‌ها و احزاب بالاست.

نکته دیگر در فرهنگ سیاسی، نحوه نگرش مردم به غایت‌های سیاسی است؛ بدین معنی که در دید آنان هدف از تأسیس نهادهای سیاسی چه بوده و یا شأن نزول دولت چیست؟ در برخی از فرهنگ‌های سیاسی نظیر اروپا این تصور وجود دارد که غایت سیاست اداره امور فعلی، این جهانی و دنیایی است و دولت مسئولیتی در قبال رستگاری نهایی انسان یا سعادت راستین وی ندارد، در حالی که در برخی دیگر از فرهنگ‌های سیاسی، دولت دارای چنین مسئولیت‌هایی است (واینر و هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۴۳۸ - ۳۹۷).

اینکه چرا محتوای فرهنگ‌های سیاسی در جوامع مختلف، متفاوت است، نیازمند طرح مباحث طولانی است، لکن باید بر این نکته تأکید کنیم که فرایند جامعه‌پذیری سیاسی و کانال‌های حامل آن (مانند گروه‌های اولیه، ثانویه، نظام‌های آموزشی، رسانه‌های ارتباطی و...) در محتوای فرهنگ سیاسی بسیار تأثیرگذار هستند (قوام، ۱۳۷۴: ۸۵ - ۷۷).

بحث مهم‌تر درباره‌ی انواع فرهنگ‌های سیاسی، نحوه‌ی نگرش و رفتارها از یک سو و موضوع نگرش و رفتارها از سوی دیگر است. انواع نحوه‌ی نگرش و رفتارها در فرهنگ‌های سیاسی را به عقلانی - ادراکی، ارزشی، نگرش احساسی یا مبتنی بر منفعت شخصی و نگرش سنتی تقسیم کرده‌اند. منظور از نگرش عقلانی - ادراکی آن است که در جامعه، درباره‌ی مصلحت عمومی، دولت، مصلحت نظام سیاسی و... نگرش‌های مثبتی وجود داشته باشد، مردم بتوانند به این امور فکر کنند، آنها را بشناسند و اقداماتی برای اصلاح انجام دهند. در این نگرش عضویت انسان در جامعه مستلزم تعهد به جمع بزرگ‌تری است، بنابراین مصلحت عمومی در اولویت قرار می‌گیرد. در تقویت این نگرش می‌توان از عناصر مثبت سایر نگرش‌های مذکور نیز بهره گرفت (سیف‌زاده، ۱۳۷۳).

موضوع نگرش‌ها نیز می‌تواند درباره‌ی افراد و کارکنان سیاسی، سیاست‌های دولتی، ساخت سیاسی کل نظام و مانند آن باشد. در برخی از فرهنگ‌های سیاسی تفکر نه درباره‌ی افراد یا عملکرد آنان، بلکه درباره‌ی کل نظام سیاسی شکل می‌گیرد.

از ترکیب نحوه‌ی نگرش‌ها و رفتارها و نیز موضوع آنها ماتریسی به وجود می‌آید که فرهنگ‌های سیاسی را می‌توان در نقاط مختلف آن جای داد. نکته آن است که هرچه فرهنگ سیاسی به سمت عقلانیت و ادراک برود و موضوع نگرش‌ها نیز از افراد و سیاست‌ها به کل نظام سیاسی معطوف شود، فرهنگ سیاسی توسعه‌یافته‌تری شکل خواهد گرفت و ثبات سیاسی مبتنی بر آن پایدارتر خواهد بود.

با عنایت به توضیح‌های بالا و نگاه به تأثیرات و فناوری اطلاعات و ارتباطات و اینترنت بر فرهنگ جامعه می‌توان تأثیرات آنها را بر شکل‌گیری فرهنگ سیاسی ادراکی مثبت ارزیابی

کرد. فناوری اطلاعات در فرایند جامعه‌پذیری نیز در سال‌های اخیر نقش درخور توجهی ایفا کرده است. به عبارت دیگر، امکان دسترسی وسیع به اینترنت و خدمات مبتنی بر آن، افزایش عقلانیت، آگاهی و دانش را در پی دارد. البته از تأثیرات آن بر رقیق کردن عناصر فرهنگ بومی و تحرک به سمت اشتراک‌های فرهنگی با سایر ملل نیز نباید غافل شد.

د) تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر رفتار سیاسی

پیدایش ظرفیت عمل اصلاحی یا توانایی عمل و رفرم (تغییر) و بلوغ رفتار سیاسی نیز شاخصی برای ارزیابی توسعه‌یافتگی سیاسی است. توانایی عمل حکومت‌ها را در دو بخش می‌توان بررسی کرد: اول، توانایی عمل در شرایط عادی است که تقریباً همه دولت‌ها واجد آن هستند و دوم، توانایی عمل در شرایط غیرعادی و بحران است که در تئوری‌های توسعه، از آن تحت عنوان «مدیریت بحران‌ها» نام برده می‌شود (سیف‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۸۹ - ۱۶۹). یعنی اینکه حکومت‌ها بتوانند بحران‌های خود را بشناسند و راه‌حلی برای آنها در نظر بگیرند. دولت‌هایی که تصور روشنی از پیرامون خود ندارند، دوست و دشمن خود را نمی‌شناسند، بحران‌ها را پیش‌بینی نمی‌کنند، دست به اصلاحات ساختاری نمی‌زنند، اقبال، شانس و تصادف در تصمیم‌سازی‌هایشان مؤثر است، ممکن است تحت بحران و فشار، تن به تغییرهایی دهند و با نوسان دائمی در تصمیماتی که اتخاذ می‌کنند، در لب پرتگاه قرار گیرند.

بحث اصلاح مستمر و پایدار نظام سیاسی، کارکردهای آن و ارتباطش با توسعه‌یافتگی سیاسی موضوع مهمی است که تحولات چشمگیری را در جامعه سیاسی ایجاد می‌کند. بنابراین اگر اقتدار دولت شامل توانایی رفرم درونی، توان پاسخگویی به نیازهای سیاسی، تخصیص منابع به نحوی مطلوب، افزایش کارآمدی نهادها، گوناگونی کارکرد نهادها، انعطاف‌پذیری در جذب نخبگان، کادرسازی و افزایش قانونمندی سیاسی از شاخص‌های رفتار سیاسی بالغ دولت و توسعه‌یافتگی آن تلقی شود (پای و دیگران، ۱۳۸۰)، بدیهی است که گسترش

فناوری اطلاعات و خدمات ایجاد شده بر اثر برخی دستاوردهای آن تا چه اندازه بر شاخص‌های مذکور تأثیر مثبت بر جای می‌گذارد.

ه) تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر فرایند سیاسی

پیدایش فرایند سیاسی باز نیز از معیارهای توسعه‌یافتگی سیاسی است. منظور از فرایند سیاسی، نحوه اتخاذ تصمیم‌ها، سیاست‌گذاری و تحولاتی است که در شیوه عملکرد دولت در این زمینه پیدا می‌شود. فرایند سیاسی در واقع همان عمل ساخت‌ها در درون سیستم سیاسی است. به عبارت دیگر، فرایند، مجموعه ارتباطات پویا و دینامیک در درون هر سیستم است و ارتباطات میان ساخت‌های ثابت در واقع به فرایند تعبیر می‌شود.

بسیاری از نویسندگان با به کارگیری نظریه سیستم‌ها، نظام سیاسی را به مثابه سیستم فرعی از محیط پیرامونشان تلقی می‌کنند. بر اساس این نظریه، سیستم سیاسی باز، نظامی دارای داده و ستانده و یک عامل کنترل‌کننده است که تناسب و تطابق داده و ستانده را کنترل می‌کند. مجموعه داده‌ها، تقاضاها و خواست‌های اجتماعی هستند که از طریق افکار عمومی، گروه‌های اجتماعی، احزاب سیاسی و... وارد سیستم سیاسی می‌شوند.

در درون سیستم، مجموع این منافع تجمیع و تلفیق شده، وحدتی میان آنها ایجاد می‌شود، تضادها، کشمکش‌ها و منازعه‌ها به نحوی رفع می‌شوند و نوعی هماهنگی میان منافع به وجود می‌آید و توسعه‌یافتگی سیاسی به معنای آن است که در این فرایند، تنش و خشونت به سازش و سیاست تبدیل می‌شود؛ بدین معنا که ستانده یا بازده سیستم در واقع سیاست‌های حکومتی، تصمیم‌ها و سوگیری‌های عقلایی خواهد بود و یک عامل کنترلی نیز وجود دارد که نظارت و قضاوت می‌کند آیا نظام سیاسی کارکردهای اصلی خویش را انجام می‌دهد یا خیر. متقابلاً چنانچه فرایند سیاسی بسته باشد، تصمیمات بر اساس احتساب منافع عمومی صورت نگیرد یا تصمیمات نظام سیاسی، انطباقی با تقاضاها نداشته باشد، در واقع محیط اجتماعی با نظام سیاسی قطع پیوند می‌کند و فرایند سیاسی بسته می‌شود (قوام، ۱۳۷۴: ۷۱-۶۳).

درباره اینکه چه بحران‌هایی در نظام سیاسی پیدا می‌شود که موجب بسته شدن فرایند سیاسی می‌گردد، الگوهای دیگری هم به کار رفته است. برخی، کل نظام اجتماعی را به سه حوزه تقسیم کرده‌اند: حوزه دولت (نظام سیاسی - اداری)، حوزه اقتصادی و حوزه فرهنگی اجتماعی.

حوزه سیاسی و اداری در همه کشورهای معاصر کارویژه هدایت نظام اقتصادی و یا نظارت بر آن را حتی در کشورهای لیبرال داشته و سیاست‌های اتخاذ شده آنها بر حوزه اقتصاد تأثیرگذار است. این هدایت به صورت برنامه‌ریزی شده و یا با اعمال سیاست‌های پولی و مالی یا به صورت سرمایه‌گذاری‌های عمومی و یا به شکل هدایت سرمایه‌های خصوصی است.

حوزه سیاسی باید منابع لازم اقتصادی را برای تداوم ثبات نیز پیش‌بینی کند؛ مثلاً تأمین مکفی مالیات‌ها، تأمین توانایی مالی دولت برای هزینه کردن در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی و خدمات رفاهی و جز آن. در این صورت نظام، مشروعیت عمومی یافته، وفاداری توده‌ها به آن جلب می‌شود.

کارکرد اصلی حوزه اقتصادی نیز عرضه تولیدات و خدمات لازم به جامعه است، یعنی در این حوزه، انباشت سرمایه و رشد اقتصادی شکل می‌گیرد و ثروت ملی افزایش می‌یابد. حوزه اقتصادی، خود ممکن است به بخش‌های مختلف تقسیم شود تا کارکردهای خود را به نحو مطلوب‌تری انجام دهد. حال با وقوع بحران در هر کدام از این عرصه‌ها ممکن است فرایند سیاسی به سمت تصلب، انجماد و بسته شدن پیش رود.

مثلاً وقوع بحران‌های اقتصادی یا بحران انباشت و فقدان رشد اقتصادی که خود زمینه‌های تورم، رکود، بیکاری و وابستگی به خارج را به دنبال می‌آورد و ممکن است از بحران عقلانیت در جریان تصمیم‌سازی نشأت گیرد، یکی از عوامل مؤثر در بسته شدن فرایند سیاسی است. این بحران، وفاداری مردم به نظام سیاسی را نیز کاهش داده، ممکن است به پیدایش بحران انگیزش بینجامد و حکومت و نظام سیاسی غرق در بحران‌های مذکور قطعاً

❖ ۱۰۰ نامه پژوهش فرهنگی

با بحران مشروعیت روبه‌رو می‌شود. بنابراین نظام سیاسی چنانچه نتواند ارتباطات منطقی بین سه حوزه مذکور ایجاد کند، دور وقوع بحران‌ها یکی پس از دیگری در آن شروع می‌شود و ناتوانی سیستم در مدیریت چنین بحران‌هایی در واقع به معنای توسعه‌نیافتگی سیاسی خواهد بود (پای، ۱۳۸۰: ۴۸۷ - ۴۳۵).

با توجه به توضیحات بالا می‌توان گفت تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات بر شاخص‌های مبین فرایند رو به بهبود نظام‌های سیاسی، یعنی ثبات و تعادل سیاسی، دموکراسی با همه لوازم آن (کثرت‌گرایی، خودگردانی، توزیع قدرت و...)، اقتدار دولت (ناشی از ظرفیت عمل سیاسی، توان پاسخگویی به نیازها و قدرت تغییر درونی)، مشارکت سیاسی (ناشی از جذب کامل نخبگان و نمایندگان اقشار و طبقه‌ها در قدرت دولتی، گسترش پایگاه مشروعیتی نظام) و بالاخره قانونی بودن (شامل عینی و غیرشخصی شدن نهادهای حقوقی، ثبات و تداوم عملکردها و رویه‌ها، الگوهای متکامل تصمیم‌گیری، استقلال قانون‌گذاری و...) مثبت ارزیابی می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گفتیم که منابع علمی در دسترسی که مطالعه و نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات (و زیرساخت‌های لازم برای ایجاد و توسعه آن) را بر حوزه سیاست انجام داده باشند بسیار قلیل هستند و آنچه از همین متون محدود به دست می‌آید بیشتر متمرکز بر تأثیر اینترنت بر برخی عرصه‌های سیاسی مانند: رقابت‌های حزبی، رأی‌گیری شبکه‌ای و حرکت به سمت جامعه شبکه‌ای است. عقیده بر این است که در جامعه شبکه‌ای با دسترسی وسیع شهروندان به اینترنت، حضور آنان در دیدارهای کشور بیشتر می‌شود و در نتیجه دموکراسی تقویت می‌گردد.

از یک دیدگاه، فناوری اطلاعات و ارتباطات بی‌طرف است و این دولت‌ها هستند که اصول فردی، قوانین اجتماعی و توافق‌نامه‌های جهانی را برای کاربرد آن تنظیم می‌کنند.

فناوری اطلاعات، ارتباطات و سیاست ❖ ۱۰۱

❖ سال دوازدهم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۳۹۰

اغلب دولت‌ها از دستاوردهای مثبت فناوری اطلاعات و ارتباطات در ساماندهی اقتصادی مدرن کم‌وبیش مطلع‌اند یا دست‌کم درباره اثرات ایجاد و توسعه آن اندیشیده‌اند. اما متأسفانه آنچه برای پشتیبانی این مهم لازم است در وهله اول ظهور نمی‌کند، چراکه الزامات آن ممکن است با دیگر الزامات سنتی در تعارض باشد.

فناوری اطلاعات و ارتباطات، پدیده اینترنت و روند فزاینده دسترسی به آن می‌تواند فرایند دموکراتیزه شدن نظام سیاسی را تسهیل کند. هنگامی که همه شهروندان حق یکسان برای شناخت اجتماع، فرهنگ، اقتصاد و سیاست کشور خود دارند و دولت اجازه مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مهم جامعه را به آنها می‌دهد، ارزش‌هایی که در ادامه می‌آیند و تلفیق‌پذیر در فرهنگ عمومی هستند شکل می‌گیرد:

۱. دسترسی آسان و کم‌هزینه به اطلاعات حکومتی و رسانه‌ها

۲. امکان تبادل نظرهای دولت و مردم و امکان اعتراض مردم به قوانین و مقررات در

صورتی که تأثیرگذار بر زندگی روزمره‌شان باشد

۳. دسترسی به گزارش‌های مجلس و مصوبه‌های دولت

۴. امکان مشاوره سیاست‌مداران با مردم

۵. افزایش ارتباط میان شهروندان و نخبگان سیاسی

۶. تسهیل حضور فعال در عرصه سیاست

۷. افزایش حساسیت افکار عمومی و سرگیری آن نسبت به مسائل سیاسی.

در بخش اول این مقاله با ذکر کارویژه‌های دولت‌ها بر این نکته تأکید شد که فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌تواند وجه تأمین منافع عمومی دولت‌ها را توسعه و گسترش دهد، زیرا با شکل‌گیری دولت رفاهی، نیاز دولت به انجام سایر نقش‌های تعریف شده خویش (یعنی اعمال اجبار، تزریق ایدئولوژی و تأمین منافع خاص) رقیق می‌شود. در بخش دوم نیز بین فناوری اطلاعات و ارتباطات و شاخص‌های معرف توسعه سیاسی رابطه مثبتی لحاظ کردیم.

❖ ۱۰۲ نامه پژوهش فرهنگی

روح حاکم بر مقاله شاید چنین نشان دهد که مؤلف بین توسعه اقتصادی که فناوری اطلاعات و ارتباطات بر آن بسیار تأثیرگذار است و توسعه سیاسی، نوعی رابطه «همبستگی»^۱ قائل است و مدعی، ممکن است با نشان دادن مواردی بر وجود چنین رابطه‌ای خدشه وارد کند؛ از جمله در برخی کشورها مانند هندوستان مشارکت سیاسی همراه با رقابت‌های سیاسی ایدئولوژیک با میزانی از توسعه‌نیافتگی اقتصادی همزیستی داشته است و متقابلاً با توجه به تجربه کشورهای اقتدارطلب در قرن بیستم آشکار است که سیاست و حکومت غیررقابتی می‌تواند در جامعه‌ای نسبتاً پیشرفته از نظر شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی استمرار یابد. همچنین کشورهایی که از نظر توسعه اقتصادی در یک سطح هستند، الزاماً از نظر توسعه سیاسی همسان نیستند.

فرض مقاله حاضر پذیرش تأثیر مثبت فناوری اطلاعات و ارتباطات بر توسعه اقتصادی و وجود رابطه‌ای معقول بین آنها و توسعه سیاسی بود؛ بدین معنا که با توسعه اقتصادی، شمار فراوانی از سازمان‌ها و گروه‌بندی‌های نیمه خودمختار و مستمر به وجود می‌آید که موجب توزیع تصمیم‌گیری‌ها و منابع سیاسی در بین مراکز متعددی می‌گردند، گرایشی به استقلال نسبی در بین گروه‌ها، سازمان‌ها و تشکل‌ها پدید می‌آید و احتمالاً برخورداری از منابع سیاسی موجب حل و فصل اختلاف‌ها میان سازمان‌ها می‌شود و تمایل به سازش و مذاکره افزایش می‌یابد. بدین سان می‌توان گفت سطح حداقلی از توسعه اجتماعی و اقتصادی قابل تشخیص است که پایین‌تر از آن، پیدایش سیاست مشارکتی و رقابتی ممکن نیست. به عبارت دیگر، وقتی نظام سیاسی توسعه‌نیافته به سطوح بالاتری از توسعه اقتصادی دست می‌یابد، حفظ نظم اجتماعی بسته قدیم، به نحو فزاینده‌ای ناممکن می‌شود.

نکته دیگر اینکه توسعه سیاسی به معنای رقابت و مشارکت سیاسی با نوع سلطه حکومت بر منابع مختلف قدرت رابطه روشن‌تر و معنادارتری دارد. به عبارت دیگر، رقابت و مشارکت سیاسی متأثر از میزان کنترل حکومت بر منابع قدرت سیاسی اقتصادی است. از این رو، با

1. Correlative

❖ ۱۰۳ فناوری اطلاعات، ارتباطات و سیاست

❖ کاهش کنترل حکومت بر منابع سیاسی و اقتصادی، احتمال رقابت و مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد.

منابع مورد نظر به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱. منابع خشونت‌آمیز سیاسی ۲. منابع غیرخشونت‌آمیز مانند منابع مالی، وسایل ارتباطی و دستگاه‌های آموزشی. بدیهی است فناوری اطلاعات و ارتباطات بر هر دوی این منابع به‌خصوص توزیع منابع غیر خشونت‌آمیز تأثیر بسیار زیادی دارد و به توزیع منابع و وسایل قدرت در جامعه میان دولت و گروه‌های مختلف کمک می‌کند و توزیع منابع قدرت به مثابه شرط مشارکت سیاسی به توسعه سیاسی مدد می‌رساند.

امید است که این مقاله به مثابه گامی نخست در تبیین تأثیر متقابل فناوری اطلاعات و ارتباطات و حوزه سیاست، تأثیر مناسبی بر پژوهش‌های کامل بعدی بگذارد.

کتاب‌نامه

- ابوالحمد، عبدالحمید، (۱۳۷۰). *میانی علم سیاست*، تهران: توس.
- بریجانیان، ماری، (۱۳۷۱). *فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی*، جلد اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بشلر، ژان، (۱۳۷۱). *ایدئولوژی چیست؟*، ترجمه علی اسدی، تهران: انتشار.
- بشیریه، حسین، (۱۳۷۲). *انقلاب و بسیج سیاسی*، تهران: دانشگاه تهران.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۰). *آموزش دانش سیاسی (میانی علم سیاست نظری)*، تهران: نگاه معاصر.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۰). *درس‌های دموکراسی برای همه*، تهران: نگاه معاصر.
- بیلی، فرانک، (۱۳۶۶). «ثبات و بحران، نگرانی‌هایی درباره دموکراسی» اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دوم، شماره ششم، اسفند.
- پای، لوسین دبلیو، (۱۳۸۰). *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*، ترجمه غلامرضا خواجه‌سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پلامناتس، جان، (۱۳۷۳). *ایدئولوژی*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: علمی و فرهنگی.

فناوری اطلاعات، ارتباطات و سیاست ❖ ۱۰۵

- ❖ سال دوازدهم، شماره چهاردهم، تابستان ۱۳۹۰
- تافلر، الوین، (۱۳۷۷). *جایه جایی در قدرت*، ترجمه شهین دخت خوارزمی، تهران: سیمرغ.
- حجاریان، سعید، بهار (۱۳۷۱). «*تلقی آکادمیک از توسعه سیاسی*»، فصلنامه راهبرد، مرکز تحقیقات استراتژیک، سال اول، شماره اول.
- حجاریان، سعید، (۱۳۷۲). «*فاموزونی فرایند توسعه سیاسی در کشورهای پیرامونی*»، فصلنامه راهبرد، مرکز تحقیقات استراتژیک، سال دوم، شماره دوم.
- رادینگ، الن، (۱۳۸۶). *مدیریت دانش، موفقیت در اقتصاد جهانی مبتنی بر اطلاعات*، ترجمه محمدحسین لطیفی، تهران: سمت.
- زرگر، علیرضا، (۱۳۸۵). *امنیت و تهدید در جامعه اطلاعاتی*، تهران: قدیم.
- زرگر، محمود، (۱۳۸۲). *اصول و مفاهیم فناوری اطلاعات*، تهران: بهینه.
- زرگر، محمود، (۱۳۸۰). *مدل‌های راهبردی و راهکارهای تجارت در اینترنت*، تهران: بهینه.
- سیف‌زاده، حسین، (۱۳۷۳). «*مشارکت منفعلانه و علل تداوم آن*»، مجله دانشکده حقوق، علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۱.
- سیف‌زاده، حسین، (۱۳۷۵). *نوسازی و دگرگونی سیاسی*، تهران: قوس.
- سیف‌زاده، سیدحسین، (۱۳۷۳). «*تحول از مشارکت منفعلانه به مشارکت فعالانه: تأملی نظری*»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۲.
- شریعتمداری، محمد، (۱۳۸۲). «*سخنرانی افتتاحیه*»، در مجموعه مقاله‌های همایش تجارت الکترونیکی، تهران، وزارت بازرگانی.
- صنایعی، علی، (۱۳۸۱). *بازاریابی و تجارت الکترونیکی*، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- عبدالله‌زاده و شامی، (۱۳۸۳). «*ارائه مدل بسترهای پنج‌گانه جهت معرفی زیرساخت‌های مورد نیاز برای توسعه ملی ICT*»، ماهنامه راهبر، نشریه داخلی شرکت راهبر.
- غنی‌نژاد، موسی، (۱۳۷۰). «*نکاتی درباره مردم‌سالاری ایرانی و سوسیالیسم ایرانی*»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ششم، شماره ۳ و ۴.
- قاضی، ابوالفضل، (۱۳۷۱). *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران: دانشگاه تهران.
- قوام، سیدعبدالعلی، (۱۳۷۱). *توسعه سیاسی و تحول اداری*، تهران: قوس.

❖ ۱۰۶ نامه پژوهش فرهنگی

- قوام، سیدعبدالعلی، (۱۳۷۴). *نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- کریاسیان، مهدی، (۱۳۸۲). «دولت الکترونیکی e-Government»، در مجموعه مقاله‌های همایش تجارت الکترونیکی، تهران: وزارت بازرگانی، معاونت بازرگانی و بررسی‌های اقتصادی.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- محمدنژاد، علی، (۱۳۸۳). «دولت الکترونیکی کلیدی برای دستیابی به اهداف»، شرق، شماره‌های ۳۷۹ و ۳۸۳.
- معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی وزارت بازرگانی، (۱۳۸۲). مجموعه مقاله‌های همایش تجارت الکترونیکی، تهران، وزارت بازرگانی.
- معاونت برنامه‌ریزی و بررسی‌های اقتصادی وزارت بازرگانی، بی‌تا. *کنکاشی در تجارت الکترونیکی*، تهران، بی‌تا.
- مور، بارینگتن، (۱۳۶۹). *ریشه‌های اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر دانشگاهی.
- واینز، مایرون و ساموئل هانتینگتون، (۱۳۷۹). *درک توسعه سیاسی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- وینسنت، اندرو، (۱۳۷۱). *نظریه‌های دولت*، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نی.
- هلد، دیوید، (۱۳۶۹). *مدل‌های دموکراسی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: روشنگران.

- Birch, Anthony H.,(1993). *The Concepts and Theories of Modern Democracy*, London: Routledge.
- Foran, John, (ed), (1996). *Discourses And Social Forces: The Role Of Culture and Cultural Studies In Understanding Revolutions In Theorizing Revolutions* ., London: Routledge.
- Giddens ,Anthony,(1994). *Sociolgy*, Great Britain: Britain: Black well Publisher.
- Guralink, David B.(1980). *Webster' New World Dictionary* , New York: Prentice-Hall press.